

# آمریکای لاتین؛ فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی و راهبردها

در ادامه سلسله مباحث اتاق فکر که هر سه‌شنبه در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی برگزار می‌شود، در تاریخ ۲۶ آذرماه ۸۷ آقای مهدی محتشمی سخنانی با عنوان آمریکای لاتین؛ فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی و راهبردها ارائه کردند. نوشتار حاضر اقتباسی است از مطالب ارائه‌شده در این جلسه.

منطقه آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب به دلیل وجود منابع سرشار مواد اولیه، نفت، گاز و موقعیت استراتژیک از گذشته تاکنون مورد توجه استعمار بوده و پس از استقلال به عنوان حیاط خلوت ایالات متحده محسوب می‌شده است.

آمریکای لاتین را می‌توان از سه نظر، فرایند سیاسی، اقتصادی و نظامی، مورد بررسی قرار داد. در این خطه نهضت‌ها و جنبش‌های مهمی وجود دارند که بعضی از آنها عبارتند از:

- ساندنیست‌ها در نیکاراگوئه

- زاپاتیستا در مکزیک

- فارک در کلمبیا

- ای ال ان (ELN) در آرژانتین

بدون اینکه بخواهیم تاریخ تحولات آمریکای لاتین و مبارزات ۵۰۰ ساله مردم آن برای استقلال را بررسی کنیم

آمریکای لاتین شامل ۴۹ کشور در محدوده آمریکای مرکزی، کارائیب و آمریکای جنوبی از مکزیک تا قطب جنوب می‌باشد و یا به عبارتی به طور سنتی به مناطقی از قاره آمریکا گفته می‌شود که زبان رایج آنها اسپانیولی و پرتغالی است و قبلاً مستعمره این دو کشور و در مواردی مستعمره انگلیس و فرانسه بوده‌اند. در حقیقت عملاً نیم‌کره غربی به استثنای آمریکا، کانادا و کشورهای غیراسپانیایی زبان حوزه کارائیب نظیر گویان (فرانسه‌زبان) و جامائیکا (انگلیسی‌زبان)، آمریکای لاتین خوانده می‌شوند. آمریکای لاتین با ۵۶۱ میلیون نفر جمعیت مساحتی حدود ۲۱ میلیون کیلومتر مربع را داراست.

برزیل با ۱۷۰ میلیون نفر و ۸ میلیون کیلومتر مربع مساحت از حیث جمعیت و وسعت بزرگترین کشور آمریکای لاتین است.

باید گفت استقلال این قاره مشحون از مبارزات طولانی مردم و رهبران بزرگی همچون سیمون بولیوار، خوزه مارتی و چگوارا می‌باشد.

### الف) فرایندهای اقتصادی

اما ویژگی‌های عمومی اقتصادی در آمریکای لاتین مختصراً عبارتند از:

#### ۱. پیروی از روندهای حاکم بر نظام بین‌الملل

به دنبال سقوط رژیم‌های نظامی و با بروز و ظهور رهبران اقتصادی با بینش نئولیبرال، اقتصاد اکثر کشورهای این منطقه به تدریج در اقتصاد جهانی ادغام گردید. پس از سه دهه سیاست حمایت‌گرایانه تغییر آشکاری با اهداف اصلاحات تجاری، مالی و اقتصادی به وجود آمد و هدف آن خصوصی‌سازی و ادغام در اقتصاد بین‌الملل بود که نتیجه آن پیشرفت نسبی کشورها، افزایش تولیدات و توسعه واردات و صادرات بود که منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی گردید.

#### ۲. وابستگی شدید به سرمایه خارجی

سیاست‌های نئولیبرالیستی رهبران جدید و اعمال موازن مالی و تجاری حاکم بر بازار جهانی از یک سو و جاذبه‌های داخلی کشورهای لاتین از سوی دیگر موجب ورود و حضور شرکت‌های فراملیتی آمریکایی و اروپایی و تشدید وابستگی شدید اقتصادی این منطقه به سرمایه و بازار خارجی شد. این شرکت‌ها باتوجه به منابع اولیه و ظرفیت کشورهای منطقه با هدف تغییر و تحول اقتصادی در آنها وارد شدند که در بعضی موارد منجر به بحران‌های سیاسی و اجتماعی نظیر شیلی شد.

#### ۳. تأثیرپذیری و شکنندگی در مقابل بحران‌های اقتصادی جهانی

اکثر کشورهای آمریکای لاتین دارای اقتصاد شکننده می‌باشند که دلایل اصلی آن عبارتند از:

- جذب سود و استثمار بیشتر منابع آمریکای لاتین و کسب حداکثری منافع توسط شرکت‌های چند ملیتی

- عدم توسعه متوازن در کلیه بخش‌ها

- توزیع نامناسب درآمدها و فقیرتر شدن بیش از پیش اقشار مردم

- نداشتن استقلال اقتصادی و وابستگی مفرط به نظام اقتصاد بین‌الملل

- ایجاد بحران‌های متعدد مالی و پولی در کشورهای نظیر برزیل، مکزیک و آرژانتین که منجر به بحران‌های اجتماعی شدند

- ظهور و رشد حاکمان فاسد و افزایش چشمگیر فساد اداری و مالی

- عدم رقابت‌پذیری با اقتصادهای بزرگ و شفافیت اقتصادی

- افزایش میزان بدهی‌ها و ناتوانی در پرداخت وام‌های کلان

- کاهش شدید ارزش پول ملی در مقابل ارزهای دیگر

#### ۴. فقدان یک اقتصاد بومی

به‌رغم تشکیل سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی اقتصادی نظیر گروه ریو و مرکوسور اقتصاد کشورهای آمریکای لاتین به دلایل مختلفی نظیر رقابت بین کشورهای منطقه، اختلافات سیاسی درونی، دخالت و کنترل اقتصاد جهانی و آمریکا، ضعف شدید منابع مالی و افول و ناتوانی تکنولوژیک عملاً شکل نگرفته و این کشورها فاقد یک اقتصاد بومی توانا هستند.

شرکای تجاری مهم آمریکای لاتین و حجم مبادلات

۱. آمریکا	۶۰۰	میلیارد دلار
۲. اروپا	۲۰۰ الی ۲۵۰	میلیارد دلار
۳. چین	۱۰۰	میلیارد دلار
۴. ژاپن	۵۰	میلیارد دلار

بعضی از عوامل مهم در چرخش قدرت به سمت دولت  
چپ سوسیالیسم عبارتند از:

– سوء مدیریت ۸ ساله دولت بوش در آمریکای لاتین

– توجه و تغییر دید آمریکا از منطقه آمریکای لاتین به  
عراق و افغانستان و بی‌توجهی بوش به بحران اقتصادی  
در کشورهای همچون آرژانتین، مکزیک و شیلی

در این راستا اظهارات آقای بن وتیفورد کارشناس  
سیاسی آمریکا و توصیه‌های جان کربلکو مقام پیشین سیا  
به اوباما قابل توجه است؛ وتیفورد معتقد است که ظهور  
دولت چپ‌گرا و ایجاد خلأ سیاسی و اقتصادی به دلیل  
سوء مدیریت بوش بوده که باعث شده چین، روسیه و  
ایران تا حدودی خلأ مذکور را پر کنند.

جو بایدن توجه به اروپا و خاورمیانه را ترجیح  
می‌دهد و به نظر وی بعید می‌رسد که اوباما که وارث دو  
جنگ و بحران اقتصادی است علاقه چندانی به حل  
مسائل آمریکای لاتین داشته باشد. وی تردید دارد که  
اوباما سیاست خود نسبت به آمریکای لاتین را تغییر دهد  
و بتواند در کاهش احساسات ضد آمریکایی در منطقه تأثیر  
قابل توجهی داشته باشد.

جان کربلکو در مقاله‌ای در روزنامه لس‌آنجلس تایمز  
تحت عنوان "یورش دیپلماتیک بزرگ بیخ گوش  
واشنگتن" به اوباما گوشزد می‌کند که نفوذ ایران امنیت  
ملی ایالات متحده را به خطر انداخته است. وی معتقد  
است با توجه به سفر مورالس به تهران و انتقال سفارت  
بولیوی از قاهره به تهران عملاً بولیوی پایگاه عملیاتی  
تروریسم و نیروهای اطلاعات و سپاه در منطقه حیات  
خلوت آمریکا می‌شود. وی این شرایط را نتیجه بی‌توجهی  
بوش به منطقه آمریکای لاتین دانست و خواستار تغییر  
این سیاست توسط اوباما و ارتقای مناسبات سیاسی و  
اقتصادی آمریکا با کشورهای آمریکای لاتین می‌باشد.

۱. برزیل: ۲-۱/۵ میلیارد دلار شامل خرید مواد غذایی،

کالای سیاسی، تولیدات صنعتی کاغذ

۲. آرژانتین: ۰/۵ میلیارد دلار شامل: دانه‌های روغنی،  
کپسول گاز کیت

۳. شیلی: ۰/۱ میلیارد دلار

۴. ونزوئلا که خرید ناچیز و عمدتاً سرمایه‌گذاری و  
خدمات فنی مهندسی است.

۵. اروگوئه: ۵۰ میلیون دلار شامل: پشم و برنج

**ب) فرایندهای سیاسی آمریکای لاتین و ویژگی‌های آن**

**پس از جنگ سرد**

– تقویت جنبش نوین چپ (سوسیالیسم نو) و گریز از  
نئولیبرالیسم اقتصادی و تشکیل دولت‌های کارگری در  
برزیل، آرژانتین، شیلی و اروگوئه

– رشد جنبش‌های ملی‌گرایانه و قومی (دولت‌چاوز در  
ونزوئلا) و نژادی (دولت مورالس در بولیوی)

– گرایش به سمت تقویت همگرایی بین‌منطقه‌ای به  
منظور مقابله با نفوذ انحصاری آمریکا

– گرایش به تشکیل اتحادیه تجاری و اقتصادی منطقه‌ای  
نظیر اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی (آلبا)

همان‌طور که ذکر گردید به دلیل شرایط اجتماعی و  
اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین از سال ۱۹۹۸ زمینه  
رشد جنبش‌های اجتماعی و سیاسی ایجاد گردید که منجر  
به قدرت گرفتن جنبش‌های چپ و انتخاب رؤسای جمهور  
چپ و جنبش‌های نوین سوسیالیستی و کارگری شد. لازم  
به ذکر است که در حال حاضر در کشورهای کوبا، شیلی،  
بولیوی، آرژانتین، برزیل، ونزوئلا، اکوادور، اروگوئه،  
مکزیک، نیکاراگوئه و هندوراس دولت‌های چپ، کارگری  
و سوسیالیستی در رأس حکومت هستند.

در فرآیند سیاسی دو موضوع مهم دیگر وجود دارد که عبارتند از:

۱. نقش و نفوذ صهیونیسم در آمریکای لاتین؛ همان‌طور که نقش و حضور آمریکا در آمریکای لاتین و نفوذ در این کشورها غیرقابل انکار است پدیده نفوذ و دخالت رژیم صهیونیستی در اکثر کشورهای لاتین بسیار جدی است. مهم‌ترین زمینه‌های نفوذ و حضور صهیونیسم در آمریکای لاتین را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- در اکثر کشورهای منطقه سازمان‌های فرهنگی، تجاری و مؤسسات اقتصادی صهیونیستی مستقر می‌باشند  
- این نهادها روابط متقابلی با اسرائیل داشته و مورد حمایت این رژیم هستند

- عناصر اسرائیلی در بین دولت‌های چپ نفوذ دارند  
- دولت اسرائیل برای بعضی از کشورها متخصص و مستشار نظامی اعزام می‌کند، همچنین برای ارتش سلاح ارسال کرده و نیروهای آنها را آموزش نظامی می‌دهد.

- اسرائیل در راه‌اندازی برنامه‌های آب‌رسانی، صنعتی، کشاورزی و هسته‌ای همکاری گسترده دارد  
- رژیم صهیونیستی در بهره‌برداری از معادن مس، نقره و سرب نیز حضور فعال دارد

- تأسیس کنیسه‌ها و تسهیل مهاجرت یهودی‌ها به منظور نفوذ سیاسی و فرهنگی هم از جمله مشارکت‌های اسرائیل در این کشورهاست

- اسرائیل در کشورهای آمریکای لاتین سرمایه‌گذاری محدودی دارد

- مبارزه با مسلمانان، اعراب و حزب‌الله تحت عنوان مبارزه با تروریسم و اسلام‌گرایی در راستای سیاست‌های اسرائیل در آمریکای لاتین است

لازم به ذکر است مردم آمریکای لاتین به یهودیان به دیده حقارت می‌نگرند و آنها را عامل استعمار، غارت و

چپاول می‌دانند. به علاوه مهاجرت و حضور مسلمانان از سال ۱۸۸۰ در خاتمه جنگ جهانی دوم از کشورهای لبنان، سوریه، اردن، فلسطین و ترکیه در سال‌های اخیر از اندونزی، پاکستان، هند و بنگلادش که عمدتاً شیعیان، علویان و اهل تسنن می‌باشند فرصت مغتنمی برای فعالیت‌های فرهنگی و اسلامی ایجاد کرده است.

۲. زنان و قدرت در آمریکای لاتین؛ به‌رغم مردسالاری در عرصه سیاست آمریکای لاتین در مبارزات سیاسی تعدادی از زنان پیروز شده و بر مسند قدرت نشسته‌اند که از جمله می‌توان به پیروزی زنان در دومینیک، نیکاراگوآ، پاناما، شیلی و آرژانتین اشاره کرد.

### ج) فرآیندهای نظامی منطقه‌ای

کشورهای آمریکای لاتین به‌رغم کثرت تعداد، دارای اختلافات اساسی نیستند لذا بعضی از ویژگی‌های نظامی منطقه‌ای عبارتند از:

۱. ضعیف بودن اختلافات مرزی و نبود زمینه درگیری‌های نظامی پس از پایان جنگ سرد

۲. ضعیف بودن تهدیدات خارجی، (تهدیدات خارجی آمریکا صرفاً معطوف و علیه تعدادی از کشورها از جمله کوبا، ونزوئلا و بولیوی می‌باشد).

۳. طرح ایجاد سازمان نظامی منطقه‌ای آمریکای لاتین به ابتکار چاوز

۴. افزایش حضور نظامی رقبای ایالات متحده آمریکا از جمله روسیه به دنبال تشدید اختلافات آمریکا و روسیه

۵. امکان بروز رقابت تسلیحاتی در منطقه متأثر از تهدیدات خارجی و تحریک آمریکا

*امکانات، فرصت‌ها و منافع جمهوری اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین*

۱. استفاده از ظرفیت‌های سیاسی منطقه برای کسب حمایت در مجامع بین‌المللی

۲. توسعه همکاری‌های دوجانبه از طریق همکاری‌های بین‌المللی به منظور تحقق منافع ملی (حمایت از مواضع در سازمان‌های بین‌المللی)

۳. تقویت روابط سیاسی با گروه‌های سیاسی منطقه‌ای از جمله گروه ریو به منظور استفاده از لابی منطقه‌ای در سطح بین‌المللی و روابط دوجانبه

۴. افزایش مبادلات اقتصادی و تجاری از طریق استفاده از ظرفیت توافقات و پیمان‌های منطقه‌ای نظیر مرکوسور و آلبا

۵. توسعه همکاری‌های دوجانبه ایران و آمریکای لاتین به حوزه‌های فرامنطقه‌ای (همکاری‌های چندجانبه ایران، کوبا، ونزوئلا و آفریقا)

#### **محدودیت‌ها و تهدیدها**

۱. ساختار وابسته سیاست و حکومت در آمریکای لاتین به اروپا و آمریکا (ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری حکومت در منطقه)

۲. ساختار اقتصادی وابسته آمریکای لاتین به خارج (فقدان اقتصاد بومی)

۳. فقدان بانک اطلاعاتی جامع از توانمندی‌ها و نیازهای آمریکای لاتین

#### **پیشنهادات و راهکارها**

۱. ضرورت افزایش شناخت و اطلاعات کامل‌تر از ظرفیت و توانمندی‌های کشورهای آمریکای لاتین

۲. روابط دوجانبه صرفاً نباید متأثر از دیدگاه ایدئولوژیک باشد. تاریخ سیاسی این کشورها شاهد تغییر و تحولات زیادی بوده است. دید و سیاست جمهوری اسلامی ایران بایستی بلندنگر و منطبق با منافع ملی باشد.

۳. به‌رغم ضرورت استفاده حداکثری از شرایط حاضر با ترکیب‌بندی سیاسی در این کشورها با اولویت سیاسی و اقتصادی به دلیل عدم پایداری این‌گونه حکومت‌ها روابط ما با کشورهای لاتین بایستی با کلیه جریان‌ها قدرت باشد. ۴. در سرمایه‌گذاری‌ها و اعطای اعتبارات، باید به سابقه این کشورها و پایبندی آنان به انجام تعهدات و اخذ تضمین‌های لازم و ریسک بالای ناشی از تغییر قدرت توجه شود.

– استفاده از تجربه اعطای وام در گذشته به نیکاراگوئه

– اظهارات اخیر رئیس‌جمهور اخیر اکوادور مبنی بر عدم بازپرداخت بهره وام‌های دریافتی این کشور قابل توجه است.

۵. عدم استفاده ابزاری و سیاسی از این کشورها در زمان رأی به قطعنامه حقوق بشر در سازمان ملل. این سیاست تاکنون نتیجه مطلوبی را نه تنها در آمریکای لاتین حتی در آفریقا نیز نداشته است. روابط باید بر مبنای چارچوب درازمدت بنا شود.

۶. تقویت خطوط کشتیرانی و حمل و نقل دریائی با توجه به بعد مسافت و استفاده از ظرفیت کشتی‌های باری که برای صدور کالاهای ایرانی به خلیج فارس می‌آیند.

۷. سرمایه‌گذاری در وزارت امور خارجه جهت آموزش نیروها و کادرهای لازم برای فعالیت در نمایندگی‌های آمریکای لاتین و آموزش زبان اسپانیولی.

**زهرا طاهری‌امین**

**مرکز مطالعات راهبردی**